

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۹۸، دوره هشتم
سال هفدهم، ۲۲ آذر ۱۳۷۹

کنفرانس سازمان ملل درباره حقوق کودکان، و ادعاهای دروغین رژیم «ولایت فقیه»!

چندی پیش در سازمان ملل، کنفرانسی درباره حقوق کودکان برگزار گردید، که هادی نژاد حسینیان، نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، در آن سخنرانی کرد. به گزارش «ایرنا»، ۲۶ آبان ماه، وی در سخنان خود، با اشاره به اهمیت حقوق کودک و جهان شمول بودن مبانی پذیرفته شده آن در سطح بین المللی، لزوم پرداختن به اولویت های موجود در این زمینه را تشریح کرد. وی گفت: «اهداف و استراتژی تعیین شده در خصوص حقوق کودکان در سال ۱۹۹۰ با توجه به تحولات و تغییرات جدید در ساخت فکری و اولویت های امروز جامعه جهانی، بایستی اصلاح و روزآمد شود.» در همین زمینه، به گزارش ۳۰ آبان، ایرنا، «همایش حقوق کودک»، با سخنان کمال خرازی، وزیر امور خارجه، در تهران گشایش یافت. کمال خرازی در این همایش یک روزه که به مناسبت یازدهمین

در صفحه ۴

پنجاه و پنج سال پس از قیام تاریخی ۲۱ آذر، خلق های میهن ما همچنان در چنگال ارتجاع از حقوق حقه خود محرومند

در صفحه ۳

سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماهیت آزادی ستیز و ضد حقوق بشر رژیم «ولایت فقیه»

نوزدهم آذرماه ۱۳۷۹، (دهم دسامبر ۲۰۰۰)، پنجاه و دو سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر گذشت. پنجاه و دو سال پیش، در دهم دسامبر ۱۹۴۸، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اعلام: «از آنجائی که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان را تشکیل می دهد...»، سند اعلامیه جهانی حقوق بشر را همچون آرمانی مشترک برای پاسداری و توسعه حقوق انسانی جامعه بشری منتشر کرد. در این سند مهم، اظهار امیدواری شده بود که: «جمع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مد نظر داشته باشند و تلاش کنند، به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی ها توسعه یابد و تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها هستند، تأمین گردد.» از جمله مهم ترین مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده سوم آن است که تصریح می کند: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» در ماده پنجم اعلامیه تأکید شده است که: «احدی را نمی توان زیر شکنجه، یا مجازات و رفتاری قرار داد که ظالمانه و خلاف انسانیت و شئون بشری باشد.» در مواد ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳ قید شده است که: «هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند باشد. این حق متضمن آزادی اظهار عقیده و بیان است... هر کس حق دارد

آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد... هر کس حق دارد کار کند، و کار خود را آزادانه انتخاب کند.» در حالی که نیروهای مترقی و انسان دوست جهان سالروز انتشار منشور جهانی حقوق بشر را جشن می گرفتند، رژیم استبدادی حاکم بر میهن ما، همچنان به پایمال کردن آزادی ها و حقوق شهروندان میهن ما ادامه می دهد. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در هفته های اخیر، پس از استماع گزارش، فرستاده ویژه خود به ایران، بار دیگر رژیم «ولایت فقیه» را به خاطر زیر پا گذاشتن حقوق بشر محکوم کرد و سخنگویان وزارت خارجه ضمن محکوم کردن این عمل آنرا بدلیل منابع اطلاعات نادرست («ضد انقلاب») کمیسیون حقوق بشر ارزیابی کردند. ولی وضعیت ناگوار و ادامه سرکوب خشن آزادی ها و حقوق فردی مردم میهن ما روشن تر از آن است که بتوان با اینگونه دروغ پردازی ها آنرا انکار کرد. در همین روزهای اخیر مردم ما شاهد آن بودند که قوه قضائیه رژیم، که یکی از مهمترین ابزار اعمال خفقان و سرکوب در میهن ماست، تقاضای انتشار ۱۳۲ نشریه را، که در میان متقاضیان، از جمله شماری از نمایندگان مجلس و دولتمردان جمهوری اسلامی به چشم می خوردند، بدون کوچکترین توضیح موجهی رد کرد. در همین روزهای اخیر مردم میهن ما دیدند در حالی که جانتیکاران و تروریست های تربیت شده رژیم، آزادانه به چاقو کشی و ایجاد جورعب و وحشت بر ضد

ادامه در صفحه ۶

بحث بر سر استراتژی جنبش دانشجویی در سالروز ۱۶ آذر

بیشترین حجم اخبار و گزارش های هفته گذشته، به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو به همین مناسبت اختصاص داشت. سخنرانی های صورت گرفته در تجمع های دانشجویی که عمدتاً اصلاح طلبان درون حکومتی را شامل می شد، اختصاص به حرکت های آتی دانشجویی و ارتباط دادن آن به انتخابات ریاست جمهوری در پیش رو بود. روزنامه «آفتاب بزد»، سه شنبه ۱۵ آذر گفتگویی را با فعالان سیاسی داخل کشور انجام داد که محمد رضا تاجیک مشاور رئیس جمهور اظهار داشت: «استراتژی جنبش دانشجویی باید دنبال کردن دقیق و عاقلانه استراتژی آرامش فعال باشد. جنبش دانشجویی همواره باید بیندیشد و در این شرایط حساس به شکلی فعال آرامش را دنبال کند.» آرمین، عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، با ذکر این مطلب که، جبهه مخالف اصلاحات تمام توان خود را برای مایوس و منفعل کردن نیروهای اجتماعی به کار می گیرد تا انتخابات ریاست جمهوری ۸۰ در غیاب مردم و با حداقل مشارکت مردمی صورت پذیرد، در مورد نقش جنبش دانشجویی گفت: «جریان

ادامه در صفحه ۲

در صفحات دیگر

گزارشی فشرده از اعتراضات دانشجویی در ص ۵

زحمتکشان، ارتش «اتحادیه اروپا» و رقابت های
امپریالیستی!
سرمایه داری و احترام به آراء مردم در ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه بحث بر سر استراتژی جنبش دانشجویی

ضد اصلاحات به همین دلیل می‌کوشد در خط سیاسی و تبلیغاتی خود با ایجاد تفرقه و اختلاف در جنبش دانشجویی و در نهاد دفتر تحکیم به طور خاص، توانایی جریان دانشجویی را کاهش دهد و موجبات فلج شدن و زمین گیر کردن آنها را فراهم کند. «سید مهدی طباطبایی، عضو دفتر تحکیم وحدت نیز، پرشور و فعال نگه داشتن جامعه، امیدوار ساختن مردم و یادآوری ارزش‌هایی را که در سه سال گذشته با پیروزی جنبش اصلاحات در کشور ما پدید آمده است، راهکار جدی جنبش دانشجویی در چند ماه آتی تا انتخابات ریاست جمهوری دانست. افشاری عضو دیگر دفتر تحکیم وحدت گفت: «اگر اصلاح طلبان بتوانند سیاست جدیدی را متناسب با خواسته های ملت طراحی کنند و صادقانه و با صراحت با افکار عمومی برخورد کنند و آقای خاتمی نیز برنامه مشخص و صریحی را بر اساس سیستم دولتی که نشان دهنده توجه بیشتر به شایسته سالاری است ترسیم نماید، بر جو یاس و ناامیدی که از سوی محافظه کاران ایجاد می‌شود، فائق خواهند آمد. به گزارش روزنامه همبستگی، شنبه ۱۹ آذر، تاجر نیا نماینده مشهد در مجلس در یک سخنرانی در این باره گفت: «راست گرایان قصد ایجاد شکاف بین جبهه دوم خرداد و آقای خاتمی را دارند، زیرا تحمل ۴ سال دیگر حضور آقای خاتمی را نخواهند داشت. جریان راست تلاش می‌کند آقای خاتمی را منصرف کند و یا چهره او را تخریب کند.» با نگاهی به اظهارات بالا می‌توان به خوبی پی برد که در شرایط کنونی تمام هم و غم اصلاح طلبان حکومتی معطوف به انتخابات ریاست جمهوری و تشویق مردم به شرکت در آن انتخابات است. در این اظهارات به تلاش‌های مرتجعین برای پایین آوردن شرکت مردم در انتخابات نیز اشاره گردیده است. روزنامه همبستگی در یادداشتی به سخنان بهزاد نبوی که گفته بود، هیات تدوین استراتژی جبهه دوم خرداد متشکل از آقایان هادی خامنه‌ای، علی اکبر محتشمی، محمد رضا خاتمی، کرباسچی، هادی خانیکی و خود ایشان تشکیل شده اشاره می‌کند و ضمن اشاره به عدم برنامه کاری از طرف جبهه دوم خرداد برای اصلاحات، در مورد این هیات می‌نویسد: «تشکیل این هیات برای رفع این ایراد بنیادی مایه دلگرمی است. ترکیب هیات نیازمند حضور اشخاص مستقل از بافت حکومت در میان اعضایش نیز خواهد بود. ترکیب هیات بسته و محدود است و نمی‌تواند انتظارات وسیع از چنین مجموعه‌ای را برآورده کند. ترکیب هیات بیم تقدم ملاحظات رسمی بر خواست‌های مردمی را پیش می‌آورد. جلسات هیات تا به اطلاع عموم نرسد و به ارزیابی گذاشته نشود راهگشایی نخواهد داشت.» (اطلاعات بین المللی چهارشنبه، ۱۶ آذر) اظهارات عبدی اما در این باره نیازمند تعمق جدی است. به گزارش «ایسنا»، سه شنبه ۱۵ آذر، وی در یک میزگرد دانشجویی در پاسخ به پرسشی در باره انتخابات ریاست جمهوری آینده گفت: «من خیری را تأیید یا تکذیب نمی‌کنم ولی می‌گویم با وضع موجود آمدن خاتمی اصلا معنا دار نیست. زیرا این افراد نیستند که محیط اجتماعی را تغییر می‌دهند. اگر محیط اجتماعی تغییر کرد، ساخت قدرت با همین نیروهای موجود هم تغییر می‌کند. بنابراین مسأله آمدن یا نیامدن شخص خاتمی نیست. مسأله این است که ما باید تا پایان امسال محیط اجتماعی خود را به نحو مطلوبی تغییر دهیم.» عبدی افزود: «آمدن خاتمی در این دور با دور قبلی متفاوت است. الان دیگر نمی‌تواند بگوید چه

□ نگاهی به رویدادهای ایران

□ در هفته ای که گذشت

می‌خواهد بکند، باید بگوید چرا وعده‌هایش را انجام نداده است و اگر انجام نداده، کاندید نشود و یا اگر می‌خواهد کاندید شود صریح تر بگوید چرا نتوانسته برخی وعده‌ها را عملی کند.»

حزب توده ایران در مورد روند کلی اصلاحات بارها اعلام کرده است تکیه بر نیروی مردمی یگانه راه پیشبرد اصلاحات است. صرف نظر از تمامی موارد بالا مهم ترین و کلیدی ترین نکته ای که تاکنون کم تر به آن توجه شده، اعلام حضور رسمی خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری آینده می‌باشد. با اینکه قبلا به طور تلویحی اعلام شد که او در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می‌کند اما اظهارات بعدی حاکی از مبهم بودن شرکت او در انتخابات ریاست جمهوری است. بدون روشن شدن این موضوع هرگونه موضع گیری بی نتیجه خواهد بود.

نارامی و ناامنی در خراسان و بلوچستان

روز چهارشنبه ۱۶ آذر روزنامه کیهان خبر داد که، بسیجیان و مردم چناران آمادگی خود را برای مقابله با «اشرار و آزاد کردن گروگان‌ها» اعلام کردند. این روزنامه از قول فرماندار چناران نوشت: «در پی حمله ناگهانی اشرار مسلح به چند روستای این شهرستان و گروگان گرفتن تعدادی از روستاییان، نیروهای بسیجی و مردم منطقه برای مقابله با اشرار و آزاد کردن گروگان‌ها آماده شده‌اند.»

در حال حاضر ۲۰ نفر از روستاییان منطقه در اسارت اشرار مسلح به سر می‌برند که اقدامات اطلاعاتی و شناسایی‌های لازم صورت گرفته و به زودی نسبت به آزادی گروگان‌ها اقدام خواهد شد. اشراری که روستاییان را به گروگان گرفته‌اند اعلام کردند به خاطر صدماتی که بر آنها وارد شده است می‌خواهند مسایل مالی شان را حل کرده و از این طریق اقدام به گروگان گیری کرده‌اند.» گزارشات جسته و گریخته در استان‌های شرقی میهن مان برای اولین بار نیست که انتشار می‌یابد. قبلا اخباری پراکنده در روزنامه‌ها به چاپ رسید که حاکی از وضعیت بحرانی در این منطقه از کشورمان می‌باشد. روزنامه «آفتاب یزد»، چهارشنبه ۱۶ آذر، در خبری دیگر نوشت: «موسوی جهان آباد، نماینده بوبر احمد روز گذشته با اشاره به درگیری پیش آمده در استان کهگیلویه و بویر احمد گفت: در طی این درگیری که در شهرستان دهدشت روی داده است، هفت نفر کشته و بین سی تا صد نفر مجروح شده‌اند. وی مسائل اجتماعی و اختلافات قومی و قبیله‌ای را از علل عمده این درگیری عنوان کرد. وی با اشاره به بی توجهی به مسایل استانی در بودجه جاری گفت که باید شاهد روند ناآرامی‌های وسیع تری در این استان باشیم.»

با اینکه هنوز از کم و کیف این ناآرامی‌ها خبرهای موثقی در دست نیست اما استناد به خبر روزنامه کیهان و

آفتاب یزد، نشان از وخامت اوضاع در دو تا از محروم ترین استان‌های کشورمان می‌دهد. روزنامه ارتجاعی کیهان با اینکه سعی دارد این گونه اقدامات را به «اشرار» نسبت بدهد، اما واقعیت‌های موجود در چنین مناطقی کاملاً در تناقض کامل با چنین ادعاهایی قرار دارند. سیاست‌های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه با اینکه اثرات زیان بار خود را در سطح کل کشور بر جای گذاشته اما به دلیل محرومیت‌های عمده در مورد استان‌هایی محروم چون کردستان، کهگیلویه و بویر احمد و استان‌های شرقی، ناهنجاری‌های اجتماعی، زمینه‌های مناسبی را در این مناطق ایجاد کرده است. بدون توجه به این مسأله و حل ریشه‌ای مسایل اقتصادی و اجتماعی این مناطق محروم، ثبات و آرامش بی معنا خواهد بود.

پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و دستگیری وکیل مدافع قربانیان این جنایت

در حالی که اکثریت قاطع مردم ما خواهان روشن شدن موضوع پرونده قتل‌های زنجیره‌ای هستند، قوه قضائیه به روال همیشگی سخت در تلاش است که با مخدوش کردن پرونده و زیر فشار قرار دادن و دستگیری کسانی که به افشای آن در این زمینه دست زده‌اند، اوضاعی را فراهم کند که پیگیری به شکل مسخره و در واقع بی نتیجه بی تبدیل شود.

روزنامه‌های ایران، دوشنبه ۲۱ آذرماه، خبر دادند که ناصر زرافشان، یکی از وکلای پرونده قتل‌های زنجیره‌ای بدون کوچکترین توضیحی دستگیر شده است. این خبر در حالی مخابره شد که در هفته‌های گذشته اکبر گنجی در دادگاه خود اعلام کرده بود که دری نجف آبادی و محسنی‌اژه‌ای هر دو در قتل‌های زنجیره‌ای دست داشته‌اند.

در پی اظهارات اکبر گنجی درباره دست داشتن محسنی‌اژه‌ای در قتل‌های زنجیره‌ای، وی گفت که بزودی در باره ادعای گنجی در باره قتل‌های زنجیره‌ای پاسخ خواهد داد.

دری نجف آبادی وزیر سابق اطلاعات رژیم ولایت فقیه، نیز در مورد ادعاهای گنجی در ارتباط با خودش گفت:

پنجاه و پنج سال پس از قیام تاریخی ۲۱ آذر، خلق های میهن ما همچنان در چنگال ارتجاع از حقوق حقه خود محرومند

بیست و دو سال پس از انقلاب شکوهمند بهمن که یکی از اهداف آن آزادی خلق های تحت ستم میهن ما بود و بررغم قول های داده شده توسط رهبران انقلاب هنوز خلق های میهن ما در شرایط دشوار محرومیت و اختناق تنواسته اند به حقوق ملی خود دست یابند. در سال گذشته آذربایجان شاهد حرکت های گوناگونی برای مطرح کردن مسایل مربوط به حقوق خلق آذربایجان بود. برخی از این حرکات از سوی شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز مورد حمایت قرار گرفته بود، بدون آنکه بخواهیم به طور همه جانبه به تحلیل چنین حرکاتی بپردازیم کافی است اشاره کنیم که رژیم ارتجاع بشدت از اوج گیری دوباره مبارزه خلق های میهن ما برای تحقق حقوق ملی خود در هراس است. رسیدگی به حقوق خلق های محروم ایران، از جمله مسایل مهمی است که در طول بیست و دو سال گذشته کلاً بدست فراموشی سپرده شده است و نصیب خلق های این مناطق محرومیت و سرکوب بوده است.

حزب توده ایران، حل مسأله ملی را در چارچوب به رسمیت شناختن حق خود مختاری خلق های ایران، از جمله مهم ترین وظایف دولت ملی و دموکراتیک آینده می داند. در پنجاه و پنجمین سالروز قیام تاریخی خلق آذربایجان، ما ضمن گرامی داشت این جنبش تاریخی - خلقی، به خاطره تابناک و جاودانه شهدای این جنبش که در راه آزادی خلق ها و دموکراسی میهن جان خود را فدا کردند درود می فرستیم و به مبارزه خود در راه تحقق حقوق ملی خلق های ایران ادامه می دهیم.

ادامه نگاهی به رویدادهای ایران

«همانظوری که قبلاً به اطلاع ملت شریف رساندم، بنده در جریان این مسأله نبودم و هر گونه اطلاعی در این رابطه را تکذیب می کنم.» (همبستگی شنبه ۱۹ آذر)

آرمین در سخنرانی خود در بندر عباس در مورد پرونده قتل های زنجیره ای اظهار داشت: «قوه قضاییه، بحث کردن در مورد قتل های زنجیره ای را ممنوع کرده است و هر کسی که در این مورد صحبت کند، سربعا احضار می شود و نمونه آن آقای حجاریان بود که احضار شد.» (همانجا) سیما صاحبی، همسر شادروان پوینده، در یک گفتگو با «ایسنا»، ۱۶ آذر در ارتباط با بازداشت اخیرش گفت: «ظاهراً قرار است در آستانه تشکیل دادگاه قتل های زنجیره ای، به جای آن که قاتلان و آمران این پرونده به جزای خودشان برسند، برای ما شاکیان و اولیای دم، در دادگاه انقلاب اسلامی پرونده تشکیل شود.»

بنا به گفته وی در یک تلاش یک ماهه برای یافتن مکانی جهت مراسم سالگرد قتل ها، هیچ گونه جایی در اختیار آنها قرار نگرفت. مجمع نیروهای خط امام، با صدور بیانیه ای در باره رسیدگی به پرونده قتل های زنجیره ای با نام بردن از فلاحیان، محسنی اژه ای، دری نجف آبادی و روح الله حسینیان، آورده است: «جای سوال است که چگونه قوه قضاییه در این رابطه به محاکمه روزنامه نگاران و نویسندگان می پردازد و آنان را پیش از آنکه محکوم شوند، بازداشت و زندانی می نماید اما این افراد از هر گونه تعرض و پرسش رسمی و قانونی مصون و محفوظند.» (ایسنا، ۱۸ آذر).

۲۱ آذرماه امسال، مصادف است با پنجاه و پنجمین سالروز قیام تاریخی خلق آذربایجان، به رهبری فرقه دموکرات آذربایجان. نهضت آذربایجان، و در همان دوران نهضت خلق گرد به رهبری حزب دموکرات کردستان ایران، مبارزه توده های محروم، کارگران، دهقانان و پیشه وران محروم برای رهائی از یوغ استعمار و استبداد بود. پنجاه و پنج سال پیش، برای نخستین بار در تاریخ معاصر میهن ما حکومتی مردمی با پشتیبانی وسیع توده های محروم برپا گردید و اعلام کرد که وظیفه حکومت خدمت به خلق و تحقق آرمان های زحمتکشان است. جنبش ۲۱ آذر، از همان آغاز، با مخالفت سرسختانه محافل ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم روزه رو شد، و سرانجام نیز به شکل وحشیانه و بی رحمانه ئی سرکوب گردید. برای ارتجاع و امپریالیسم، نهضت ملی خلق آذربایجان خطری برای تمام ایران بود. ارتجاع می دانست که روی کار آمدن یک حکومت ملی و مردمی در گوشه بی از خاک ایران پایگاه ارتجاع در سراسر ایران را بشدت متزلزل می کند و جرقه بی خواهد بود برای بیداری همه خلق های تحت ستم و محروم ایران. نهضت آذربایجان در مدت کوتاهی که حکومت ملی را در دست داشت، توانست به دست آوردهای پرارزشی نائل گردد و تغییرات مهمی را در زندگی توده های رنج و زحمت این خطه ایجاد کند. اصلاحات ارضی به نفع دهقانان بی زمین، بهداشت و آموزش رایگان، ایجاد بیش از ۵۰۰ مدرسه و تأسیس دانشگاه تبریز، اعطای حقوق برابر به زنان، تأسیس انجمن حمایت مادران و کودکان، برگزاری انتخابات آزاد، ایجاد انجمن های شهر و ولایت به شکل دموکراتیک، ایجاد اتحادیه های صنفی و ... از جمله دست آورد هائی است که می توان به آن اشاره کرد.

رژیم وابسته و استبدادی شاه، تمامی تلاش خود را برای نفی ماهیت عمیقاً ملی و مردمی این جنبش به کار گرفت، و دستگاه های تبلیغاتی رژیم سال ها به سم پاشی پیرامون «توطئه تجزیه» توسط کمونیست ها و جنبش آذربایجان، مشغول بودند. کاری که هنوز توسط وابستگان به این جریان همچنان با شدت و حدت ادامه دارد. هنوز روزنامه های وابسته به «مشروطه طلبان»، روز سرکوب خونین و کشتار وحشیانه مردم آذربایجان را «روز نجات آذربایجان» اعلام می کنند و با انواع اتهامات سخیف سعی در توجیه جنایتی دارند که بر ضد خلق محروم آذربایجان روا شد. اما امروز با گذشت پنجاه و پنج سال آنقدر اسناد و شواهد نیرومند پیرامون سرسپردگی رژیم شاه به امپریالیسم موجود است که جای شکی باقی نمی ماند که یورش وحشیانه شاه به نهضت آذربایجان به دستور امپریالیسم و در واقع آغازی برای سرکوب وسیع جنبش ملی در ایران بود. حتی در همان دوران که نهضت آذربایجان زیر فشار شدید ارتجاع حاکم بود، کنگره ملی آذربایجان، پس از استماع گزارش میر جعفر پیشه وری، صدر فرقه دموکرات آذربایجان، درباره اوضاع حساس آن روز، با روشنی و قاطعیت اعلام کرد: «خلق ما برای از بین بردن سؤ تفاهمات و افتراات اعلام می دارد که، تعیین سرنوشت به معنای جدا شدن از ایران نیست، و حفظ روابط برادرانه با همه خلق های ایران را وظیفه خود می داند. کنگره ملی برای جلوگیری از اتهامات دشمنان آزادی مبنی بر جدائی آذربایجان از ایران و یا الحاق آن به کشور دیگر را جداً تکذیب می کند. مردم آذربایجان به اصول مشروطیت وفادار مانده و در اجرای مواد دموکراتیک قانون اساسی خواهند کوشید» (آذربایجان شماره های ۲ و ۴ آذرماه ۱۳۲۴).

امروز پس از گذشت پنجاه و پنج سال، خلق های میهن ما، از جمله خلق آذربایجان، همچنان از حقوق ملی خود محرومند، و در چنگال دیکتاتوری قرون وسطائی رژیم «ولایت فقیه» اسیرند. پنجاه و پنج سال پس از ۲۱ آذر ۱۳۲۴، و

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

کنفرانس سازمان ملل درباره حقوق کودکان ...

سالروز تصویب پیمان نامه حقوق کودک برگزار شد، این پیمان نامه را یکی از جهان شمول ترین ساز و کارهای بین المللی در جهت حمایت از حقوق کودکان نامید. وی افزود که، این پیمان نامه به همراه دو پروتکل الحاقی، هر چند تمام مشکلات کودکان را پوشش نمی دهد، اما در جهت ارتقاء و دستیابی به اهداف عالی کودکان نقش مثبتی را می تواند ایفا کند. خرازی در جایی دیگر از سخنرانی خود به میزبانی ایران از هزاران زن و کودک آواره کشورهای همسایه اشاره کرد و گفت: «با افتخار می توانیم اذعان کنیم که توانسته ایم بهداشت و آموزش را برای این کودکان همچون کودکان ایرانی فراهم آوریم.» خرازی تصریح کرد که، جمهوری اسلامی برای مشارکت و همکاری در سطوح ملی و بین المللی، در زمینه تقویت استانداردهای قانونی و ارتقای حقوق و منافع کودکان آمادگی دارد.

سخنان کمال خرازی و هادی نژاد حسینیان در دو همایش مربوط به حقوق کودکان از آن نظر قابل توجه و تعمق است که هر دو به عنوان نمایندگان جمهوری اسلامی، ضمن تایید پیمان نامه های بین المللی تصویب شده در مورد حقوق کودک، آنها را جهان شمول ترین ساز و کارهای بین المللی در جهت حمایت از حقوق کودکان نامیدند. تاکید بر این مسأله از آن رو حائز اهمیت است که، بر اساس مدارک موجود، مصوبات «قانونی» در رژیم ولایت فقیه در ارتباط با حقوق کودکان فرستگ ها با اظهارات این دو نفر در تناقض کامل قرار دارد. موارد موجود در رژیم ولایت فقیه، آن چنان قرون وسطایی و عقب مانده است که نه تنها با موازین بین المللی مطابق نیستند بلکه مخالفت های گسترده ای را حتی در میان حکومتیان به همراه داشته که نتیجه کنونی آن وضعیت اسفناکی است که گریبان گیر کودکان کشورمان گردیده است.

ایرنا، روز سوم آذر، خبر داد که موسوی بجنوردی، خواستار تجدید نظر و اصلاح مواد قانون مدنی در باره حضانت کودکان شد. قانون جمهوری اسلامی سن حضانت را برای دختر هفت سال و برای پسر نه سال در نظر گرفته است. حال با توجه این مورد این سوال پیش می آید در کدام یک از قوانین بین المللی، با کودکان خردسال ۷ ساله و ۹ ساله بدین صورت برخورد می شود؟

در گزارشی تحقیقاتی مربوط به کار کودکان، که توسط «ایسنا» انجام گرفته است، این خبر گزار، در تاریخ چهارشنبه ۲۹ تیرماه، از قول عماد افروغ، جامعه شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم، می نویسد: «یک بخش از معضل کار کودکان مربوط به اقتصاد رسمی است که در آن به صورت غیر قانونی از کودک بهره کشی می شود و اغلب کارهای سخت و پراضطراب هستند، مانند کار در تعمیرگاه ها، کارگاه قالی بافی، کارخانه ها، صنایع دستی و کارگاه های ماشینی و صنعتی که با توجه به قانون بین المللی کار که طی آن هیچ فرد کمتر از ۱۵ سالی نباید رسماً کار کند، کار کردن کودکان در این موارد برای کارفرما جرم محسوب می شود.» ایسنا در این باره می نویسد: «نمونه های چنین کودکانی در سطح شهرهای بزرگ بویژه در تهران به وضوح دیده می شوند. کودکانی که به کارهایی مانند آدامس فروشی، واکس زدن، وزن کردن، تکدی گری، پاک کردن شیشه اتومبیل، و... مشغولند و اغلب سنین زیر ۱۰ سال دارند. فواد موتیر یکی از این کودکان است که عضو خانواده ای ۸ نفره می باشد و مدتی پیش خواهر ۳ ساله اش به دلیل تشنج زیاد و عدم درمان مناسب فوت کرده است.» در ادامه همین گزارش، عماد افروغ می گوید: «بر اساس یک گزارش ۴ میلیون کارگر کودک در ایران وجود دارد.» روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه ۱۹ مرداد، در گزارشی از وضعیت کودکان خیابانی، نوشت: «آمارهای رسمی از سوی مقامات گواه بر این است که ۳۰ هزار کودک بی سرپرست و ولگرد در سطح شهر تهران و بیش از ۲۰۰ هزار کودک این چنینی در سطح کشور وجود دارد که غالباً بین سنین ۶ تا ۱۴ سال هستند. از این میان، بیشترین آنان را کودکان افغانی و یا کودکان فراری شهرستانی تشکیل می دهند.» ایسنا، شنبه ۲۸ آبان، از قول منیره همایونی، عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان، نوشت: «امروز فقر و افزایش مهاجرت مردم مناطق محروم به شهرهای بزرگ، سبب بالا رفتن آمار کودکان فراری و دختران در معرض آسیب شده است.» به گزارش دیگر این خبرگزاری در تاریخ دوشنبه ۲۳ آبان، خانم ماشینی در یک سخنرانی درباره خشونت بر ضد زنان گفت: «هر چند که قانون اساسی بر حقوق انسانی زن و مرد تاکید دارد و قوانین داخلی نیز شکل های اعمال خشونت را جرم تلقی می کند، اما ابهام در بعضی مواقع و نداشتن ضمانت اجرایی مناسب و اشکالاتی در بعضی دیگر، خود یا موجب جری شدن مجرمین و یا سکوت و بی تفاوتی در قبال جرم می گردد. بعضی از این موارد به این قرار است: طبق مواد ۴۹ تا ۵۹ قانون مدنی تنبیه توسط والد و یا قیم قانونی به منظور تربیت کودک مشروط

بر آن که در حد متعارف واقع شود مجاز است. در واقع تنبیه جسمی در حد متعارف (نامعلوم) برای اصلاح کودک خلاف قانون نیست. ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی: «اگر فردی توسط پدر یا جد پدری یا جد بزرگ پدری به قتل برسد نمی توان قاتل را قصاص کرد.»

روزنامه ایران در گزارشی با نام «چرا کودک آزاری جرم نیست؟»، در شماره شنبه ۲۹ مرداد خود می نویسد: «پدیده شوم کودک آزاری چند سالی است به مدد شفاف شدن فضایی برای آرایه رسانه بی روزنامه ها از پرده محاق به درآمده و نگرانی کارشناسان و دست اندرکاران امور اجتماعی کشور را برانگیخته است. حقایق مربوط به قربانیان معصوم و خردسال این پدیده وحشتناک در سال های اخیر به قدری تکان دهنده است که تنها جزء مختصری از آن به عنوان خبر در بسته در بعضی جراید چاپ می شود. آیا قبول کنوانسیون حقوق کودک در ایران به سال ۱۳۷۳ تنها یک حرکت فرمالیته بود؟ اگر نه، پس چرا قانون در این خصوص تصمیمی نمی گیرد و رویه بی اعمال نمی کند؟» این روزنامه در دنباله این گزارش شماره ۱ شهریور ماه خود، از قول یک مدرس علوم اجتماعی، نوشت: «بنده بیش از ۱۵۰ پدر را مطالعه کرده ام. این ۱۵۰ مرد به وسیله کمر بند بچه هایشان را تنبیه می کنند. اگر ما جلوی این مسایل نایستیم آن پدران این کار را تکرار خواهند کرد. ببخشید به عنوان یک معلم با صراحت می گویم، فعلاً قوانین ما کمک می کند به پیشبرد خشونت در جامعه. این را بارها گفته ام که قوانین با تک تک آدم ها کار ندارد به صورت کلی کار دارد. اگر قانون بگوید پدر یا مادری که بچه اش را بزند این عواقب در موردش هست، آن پدر و مادر این کار را نخواهند کرد. ما دست والدین را باز گذاشته ایم که هر کاری دلشان می خواهد با بچه هایشان بکنند. بنا براین من اعتقاد دارم هر آسیبی را که مطالعه می کنیم می بینیم که قانون یک نارسایی هایی دارد.» در این میزگرد، خانم دولت آبادی، روانشناس، به موضوع کنوانسیون حقوق کودک اشاره کرد و در باره آن اظهار داشت: «کودک آزاری فقط زدن کودک نیست. کودک آزاری محروم کردن کودک از محبت است. کودک آزاری محروم کردن کودک از آموزش خوب است. ندادن حق اظهار نظر به کودک است محروم کردن او از بهداشت است. همه اینها مفاهیم کودک آزاری است.» این گزارش که در چندین شماره روزنامه ایران به چاپ رسیده، و گفت و گویی با صاحب نظران و دست اندرکاران درگیر با مسائل کودکان را شامل می شود، ضمن اینکه بازگو کننده موارد وحشتناک و تاسف برانگیز بر ضد کودکان میهنمان است، روشن کننده ماهیت قوانینی است که بر اساس کودک ستیزی استوار شده است. قوانینی که در بسیاری از کشورهای عقب افتاده هم دیگر اجرا نمی شود. سخنرانی مقامات دولتی جمهوری اسلامی با عناوین پرطمطراق حمایت از کودک تلاشی است جهت بزرگ کردن چهره رژیمی که در تمامی عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بنایی را استوار کرده که در آن قوانین به صورتی تنظیم گردیده اند که حافظ منافع سرکوب گران در دراز مدت باشد. روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه ۲ آذر، در یک گزارش راجع به سوء تغذیه کودکان، می نویسد: «۸۰ درصد دانش آموزان بین سنین ۶ تا ۱۲ سال دچار کمبود کلسیم و خرابی دندان هستند و یا سالانه تعداد زیادی از کودکان کشورمان بر اثر سوء تغذیه و کمبود ویتامین آ، بیابنی خود را از دست می دهند. آمارهای نگران کننده دیگری نیز مطرح می کنند که ۶۰ درصد کودکان دبستانی و ۱/۳ تا ۲/۳ کل دانش آموزان دچار کم خونی، ۵۰ درصد کودکان ۶ تا ۱۰ سال و ۷۰ درصد کودکان ۱۱ تا ۱۴ ساله مبتلا به کمبود انرژی ناشی از نقصان پروتئین اند.» ایرنا، ۲۵ آبان، نوشت که، تعداد ۱۰ میلیون نفر بی سواد و ۲۰ میلیون نفر کم سواد در کشور وجود دارد. مسلماً از میان این جمعیت ۳۰ میلیونی فاقد سواد و بازمانده از سواد، درصد زیادی را کودکان کشورمان تشکیل می دهند. به گزارش ایرنا، ۳۰ آبان، ۴۵۰ هزار بازمانده از تحصیل در رده سنی شش تا ۱۰ سال، و حدود ۴ میلیون نفر را افراد بین ۱۰ تا ۴۰ سال تشکیل می دهند. بر اساس آمارهای موجود ۱۰ میلیون کودک زیر دبستانی در ایران وجود دارد» (ایرنا، ۱۹ مرداد ۷۹).

هدف از بازگو کردن این مسایل در مورد کودکان کشورمان، بیش از آنکه ماهیت تحلیلی داشته باشد و یا در صدد باشد که به ریشه های این نابسامانی و مشکلات بپردازد، تصویری است واقعی از وضعیت کودکان در رژیم ولایت فقیه و مقابله با تبلیغات نمایندگان این رژیم سرکوب گر در مجامع بین المللی. امروز حتی بنا به اظهارات گوناگونی که در سطح وسیع از طرف کارشناسان امور کودک در کشور ایراد می شود می توان به این حقیقت واقف شد که ریشه این ناهنجاری اجتماعی در وجود یک رژیم سرپا ارتجاعی است که حق موجودیت تمامی انسان ها از کودک تا بزرگ سال، را قربانی حرص، آز و طمع مثنی غارت گریت المال کرده است. نباید اجازه داد سرکوب گران با استفاده از تریبون های مجامع بین المللی چهره کره رژیم را در پرده استتار نگه دارند.

سرمایه داری و «احترام» به آراء مردم ...

نمونه آمریکایی:

یک ناظر انتخابات بنام ساندر گورد، در ایالت سمنیون، در روز ۲۹ نوامبر، در دادگاه فلوریدا به جرم تشویق کردن کارمندان حوزه انتخاباتی به کامل کردن جانبدارانه ۴۷۰۰ رای غیابی ناقص، به محاکمه کشیده شد. ناظر مزبور آراء غیابی ناقصی را که به نفع کاندیدای حزب دموکرات، ال گور، بود مردود شمرده بود. تقلب مشابهی در دستکاری برگه های رای، در سال ۱۹۹۷ منجر به برکناری شهردار میامی خاویر ساورز گردید. خاویر ساورز، که عضو هیئت رهبری حزب جمهوری خواه است در سال ۱۹۹۷ به کمک ۴۰۰ رای تقلبی از همین طریق به مقام شهرداری میامی انتخاب شده بود. او اخیرا تصدیق کرد که، در انتخابات اخیر ریاست جمهوری در رابطه با آراء غیابی، مسئولیت داشته است.

ساورز، در روز ۸ نوامبر، به خبرنگار نشریه فید (FEED) گفت: «من به کامل کردن برگه های آراء غیابی کمک کردم، و نیز نسبت به تهیه لیست رای دهندگان غیابی جمهوری خواه در ایالت میامی اقدام کردم. جمهوری خواهان میامی مهارت ویژه ای در بسیج آراء رای دهندگان غیابی دارند. ... من خود تجربه ویژه ای در این امر دارم.»

اهمیت اقدام جانبدارانه و غیر قانونی ساندر گورد به نفع جمهوری خواهان هنگامی مشخص می شود که، در نظر بگیریم تفاوت های آراء بوش در مقابل ال گور کمتر از هزار عدد است.

■ در این باره رابرت موگابه، رئیس جمهوری زیمبابوه، که در ماه های اخیر مورد انتقاد کشورهای سرمایه داری نظیر انگلیس و امریکا بوده است، در اظهاراتی به طعنه گفت: «شاید کشورهای آفریقایی و دیگران باید ناظرانی به ایالات متحده می فرستادند تا به آمریکایی ها کمک کنند که چگونه دموکراتیک عمل کنند.» روزنامه «استار» چاپ آفریقای جنوبی، نیز اضافه کرد «می بایست که ناظران بین المللی در انتخابات حاضر می بودند، چرا «ایالات متحده باید به جامعه کشورهای که در آنها دموکراسی جاری است به پیوند.»

ادامه زحمتکشان، ارتش «اتحادیه اروپا» و ...

زردیک با آمریکا و تضعیف ناتو خواهد بود. خانم تاجر اخیرا اظهار داشت: «من ناتو را ترجیح می دهم من اتحاد بزرگ بین انگلیس، اروپا و آمریکا را ترجیح می دهم. این اتحاد ثمرات عظیمی برای جهان داشته است. ناتو برای امنیت اروپا کلیدی است.» گاسپارواینرگر وزیر دفاع پیشین آمریکا اظهار کرده است که ایجاد نیروی واکنش سریع اروپا به تضعیف ناتو خواهد انجامید و تعهد آمریکا به دفاع از اروپا را سست خواهد کرد.

آنچه برای زحمتکشان اروپا اهمیت دارد اینست که تشکیل «ارتش واکنش سریع اروپایی» نظامی گری در اروپا را گسترش می دهد و فقط منافع صنایع نظامی را بر آورده می سازد. تصمیم اتحادیه اروپا برای افزایش قدرت نظامی خود به افزایش نظامی گری و بلوک های نظامی جدیدتری منجر خواهد شد و زمینه های ایجاد جنگ سرد جدیدی را فراهم خواهد ساخت. جنگ سردی که قریب ده سال پیش پایان یافته اعلام شده بود. رشد نظامی گری در جهان زمانی صورت می گیرد که بشریت با مشکلات فراوان زیستی و امنیتی روبروست و خطر امحاء جمعی آن را تهدید می کند. مشکلات اجتماعی، بهداشتی و امنیتی که در حال حاضر وجود دارد، نیازمند تخصیص امکانات فراوان مادی است. باید به جای آن که اتحادیه های نظامی بیشتر و «ابر قدرتهای» بیشتری در جهت فشار و غارت و چپاول کشورهای جهان سوم بوجود بیاید تلاش شود تا توجه اصلی و امکانات اقتصادی در جهت رفع این مشکلات به کار گرفته شود. نیروهای پیشرو و زحمتکشان اروپا با درک این واقعیت بر ضد روند تسریع «وحدت» نظامی و مالی اروپا مبارزه می کنند و در این راستا موفقیت های مهمی داشته اند.

دانشجویان در رویارویی با رژیم ولایت فقیه
گزارشی فشرده از اعتراضات دانشجویی

در مبارزه با رژیم واپس گرای ولایت فقیه، جنبش دانشجویی کشور، از جایگاه و موقعیت ویژه و پر اعتباری برخوردار است. جوانان و دانشجویان برای رهایی میهن از جنگال خونین ارتجاع حاکم، به مبارزه بی قهرمانانه برخاسته اند. حرکات اعتراضی، در اغلب دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی در حال اوج گیری است. گزارش فشرده زیرین، بازتاب پاره ای از اقدامات اعتراضی پر اهمیت در اوضاع کنونی است.

در تاریخ ۲۳ آبان، رسانه های همگانی خبر دادند که، اعتصاب چندین روزه دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی سرانجام با پیروزی دانشجویان پایان یافت. دانشجویان این دانشگاه، با برپایی اعتصابی سازمان یافته، خواستار تغییر رئیس حراست دانشگاه و استعفای معاون مالی، و نیز خاتمه دادن به جو ارباب ایجاد شده توسط بسیج دانشجویی بودند. مقامات دولتی به دانشجویان قول دادند که در اسرع وقت خواست های آنان عملی شود. در دانشگاه ماه شهر، واقع در استان خوزستان، دانشجویان در اعتراض به کمبود امکانات آموزشی و رفاهی، با تعطیلی کلاس های درس، در محوطه دانشگاه تحصن کردند. یکی از اصلی ترین مسایل دانشجویان، اعزام اساتید با تجربه و مسلط به جای عده بی افراد فاقد صلاحیت و حزب الهی بود. به گزارش ایسنا، به تاریخ ۲۴ آبان ماه، ساکنان خوابگاه های متاهلان دانشگاه شاهد، در محل مرکزی دانشگاه اجتماع کردند و ضمن درخواست مذاکره با مقامات مسئول، خواستار حل مسایل رفاهی از قبیل برقراری سیستم حرارتی مناسب، مشکل فاضلاب و جز اینها شدند. ریاست دانشگاه شاهد از مذاکره با دانشجویان، به این دلیل که اقدام اعتراضی آنان ماهیت سیاسی دارد استنکاف کرد.

در دانشگاه آزاد واحد شهرستان فسا، در استان فارس، میان دانشجویان رشته کشاورزی و عده بی از اوباش و کارکنان این دانشگاه، که اعضای بسیج و دیگر نهادهای ضد مردمی اند، زد و خورد رخ داد. در پی این درگیری و پس از حمله اوباش، دانشجویان کلاس ها را تعطیل و اعلام تحصن کردند. به تاریخ ۲۹ آبان ماه، خوابگاه دانشگاه ملی تهران، شاهد تظاهرات پر شور دانشجویان به مدت چندین ساعت بود. دانشجویان به کمبود امکانات رفاهی، و نیز ضعف جدی در سیستم آموزشی اعتراض کردند و در عین حال، در تظاهرات خود در دفاع از زندانیان سیاسی، آزادی اندیشه و بیان و آزادی مطبوعات شعارهایی سر دادند.

بنا به گزارش خبرگزاری ایسنا، در تاریخ اول آذر ماه، گروهی از دانشجویان دانشکده شرکت ماشین سازی اراک، در اعتراض به مسئله گزینش و پذیرش غیر قانونی دانشجو از سوی مقامات این شرکت، با تعطیلی کلاس های درس، راهی تهران شدند، و در برابر دفتر ریاست جمهوری دست به تظاهرات زدند. دانشجویان معترض، در شعارهای خود با محکوم کردن برنامه گزینش، بر ضد ارتجاع نیز شعار دادند.

دانشجویان دانشگاه خرم آباد، به تاریخ ۶ آذر ماه، در اعتراض به کمبودهای جدی در سیستم آموزشی، از جمله کمبود استاد واقعی و بر ضد اعزام برخی افراد حزب الهی با سطح معلومات پایین به نام استاد به خرم آباد، در محوطه دانشگاه تجمع کردند و با شعارهایی نظیر «زندانی سیاسی آزاد باید گردد، آزادی اندیشه، همیشه همیشه» به راه پیمایی پرداختند. در این حرکت اعتراضی شماری از دانشجویان بازداشت شدند.

در اوایل آذر ماه، دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه به کیفیت پایین و توزیع نامناسب غذا اعتراض کردند و رفتار توهین آمیز مسئولین حراست این دانشگاه را عامل تشنج آفرینی در محیط آموزشی دانستند. به دنبال مشاجره دانشجویان با افراد بسیجی و حراست، گروهی از دانشجویان معترض، اعلام اعتصاب غذا کردند. در شهر ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی، دانشجویان دانشگاه این شهر در اعتراض به تصمیم مسئولین، مبنی بر عدم برگزاری کلاس های رشته تاریخ توسط برخی اساتید، با برپایی اعتصابی، کلاس ها را تعطیل و دست به راه پیمایی زدند. در این راه پیمایی شعارهایی بر ضد شورای نگهبان داده شد.

در روز ۲ آذر ماه، گروه کثیری از دانشجویان دانشگاه امیر کبیر (پلی تکنیک سابق) تهران، با امضاء طوماری و ارسال آن به وزیر علوم، مخالفت قاطع خود را با مدیریت جدید دانشگاه اعلام داشتند. علاوه بر این دانشجویان این دانشگاه، در حرکتی یکپارچه، جستجوی کیف دختران دانشجو از سوی انتظامات را محکوم کردند و خواستار توقف فوری این عمل شدند. در استان کردستان، دانشجویان شبانه دانشکده پزشکی، در روز اول آذر ماه، در محوطه دانشگاه تحصن کردند و ضمن محکوم دانستن اقدامات خودسرانه مسئولین حراست، خواستار کاهش شدید شهریه های خود تا ۵۰ درصد شدند. اینها نمونه هایی از اعتراضات رو به گسترش دانشجویی در سراسر کشور است. طبق گزارشات متعدد، از جمله گزارشات خبرگزاری ایسنا وابسته به جناح های حکومتی، جنبش دانشجویی بیش از پیش در حال بسط و توسعه است، و همین امر هراس جدی سران رژیم ولایت فقیه را برانگیخته است.

ادامه سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و ...

ادامه زحمتکشان، ارتش «اتحادیه اروپا» و ...

آزادی خواهان، دانشجویان مظلوم و مبارز و زنان دلیر میهن ما مشغولند، دگرانديشان در زندان ها وحشیانه شکنجه می شوند و حتی وکیل مدافع قربانیان جنایات رژیم، یعنی ناصر زرافشان، یکی از وکلای پرونده قتل های زنجیره ای بدون کوچکترین توضیحی دستگیر و روانه بازداشتگاه می شود. مردم می بینند در حالی که جنایتکارانی همچون سردار نظری، همچون قهرمانان مورد استقبال صدا و سیما، ارتجاع و مسئولین دادگاه های رژیم قرار می گیرند، صدها دانشجوی مبارز به جرم آزاد اندیشی به ده ها سال زندان محکوم شده اند و در دشوارترین شرایط بسر می برند. چنین است واقعیت پایبندی رژیم «ولایت فقیه» به حقوق بشر. این است نمونه هایی قابل بررسی برای سنجش «نظام نمونه جهان»!

در روزهای اخیر سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، از ضرورت اجرای قانون اساسی سخن گفت. مردم می پرسند در حالی که قانون اساسی جمهوری اسلامی، هرگونه شکنجه و آزار زندانیان را منع کرده است، چگونه است که صدها سند در مورد وحشیانه ترین شکنجه های اعمال شده از سوی رژیم «ولایت فقیه»، در معرض قضاوت کمیسیون ها و نهادهای حقوق بشر جهانی قرار گرفته است و از جمله آخرین نمونه آن در جریان دادگاه اکبر گنجی افشا شد و هنوز این اعمال وحشیانه در زندان های ایران ادامه دارد. رفتار ضد انسانی شکنجه گران، از جمله صدها ضربه شلاق با کابل های سیمی، سوزاندن بدن، آویزان کردن زندانیان برای ساعت های طولانی، کشیدن ناخن های دست و پا، شوک الکتریکی، تجاوز به نوجوانان زندانی و غیره، که رژیم بر آنها نام «تعزیرات اسلامی» را گذاشته است، برآستی «نمونه» متمایزی از وحشیگری است که مشابه آن را، در جهان کمتر می توان یافت.

حتی «مرجع تقلید»ی مانند آیت الله منتظری، نیز از مواهب «نظام نمونه جهان» در امان نیست و منزل او تنها به جرم مخالفت با «ولی فقیه»، در محاصره نظامی گرزگان قرار دارد و، پسر معلول و زخمی شده اش در جنگ ایران و عراق به جرم انتشار خاطرات و دستگیر و روانه شکنجه گاه می شود و این روحانی معتقد به آرمان های انقلاب مورد پیگرد، آزار و اذیت مأموران رژیم قرار می گیرد.

امروز مبارزه برای به رسمیت شناختن حقوق شهروندان بخش جدایی ناپذیر و اساسی مبارزه در راه اصلاحات در میهن ماست. حزب توده ایران، دفاع از اعلامیه جهانی حقوق بشر و مبارزه در راه تحقق آن را از جمله وظایف مهم و عاجل نیروهای ملی و مترقی در میهن ما می داند. به گمان ما حقوق بشر، مقوله ئی است فراگیر که از تحقق آزادی های فردی به مراتب فراتر رفته، و با تحقق عدالت اجتماعی و حق بهره وری برابر انسان ها از نعمات مادی در جامعه، گره خورده است. در برنامه نون حزب توده ایران، مصوب چهارمین کنگره حزب، در این زمینه از جمله آمده است: «... حزب توده ایران خواهان تضمین خدشه ناپذیر و بدون قید و شرط آزادی اندیشه، دین، بیان، قلم، مطبوعات، و حق تشکیل احزاب، جمعیت ها، اتحادیه ها و سندیکاها صنفی است، و از حق انتخاب شغل، محل سکونت، و حق اعتصاب و حقوق مدنی و دموکراتیک شهروندان، دفاع می کند. حزب توده ایران خواهان اجرای بدون قید و شرط اعلامیه جهانی حقوق بشر و نظارت بر اجرای آن از طریق ایجاد نهاد مستقلی با شرکت نمایندگان سازمان ها، احزاب، و گروه های سیاسی و صنفی کشور است.» تحقق چنین خواست هایی، در تضاد آشکار با ماهیت و دیدگاه ارتجاعی و استبدادی رژیم «ولایت فقیه» است.

تجربه حداقل سه سال گذشته، پس از فرارندوم تاریخی دوم خرداد ۱۳۷۶، و طرد قاطع نامزد «ولی فقیه» و رژیم ارتجاع از سوی بیست میلیون ایرانی و عدم تحقق خواست های میلیون ها ایرانی برای استقرار آزادی و جامعه مدنی نشان داده است که، نمی توان امیدوار بود سران رژیم در روندی خود به خودی به قبول و به رسمیت شناختن حقوق واقعی شهروندان تن در دهند. تحول بنیادین به سمت تحقق آزادی ها و حقوق دموکراتیک، ارتباطی تنگاتنگ با مبارزات مردم و سطح سازمان یافتگی این مبارزه دارد. جنبش مستقل مردمی می تواند سد استبداد در میهن ما را درهم بکوبد و راه را برای تحقق آزادی و عدالت اجتماعی بگشاید. در این مبارزه، اتحاد آهنین نیروهای خلقی و آزادی خواه، با هر دیدگاه، تفکر و اندیشه ئی، ضرورتی است که حزب ما بر آن پای فشرده است و مدافع سرسخت تحقق آن است. تحولات پرشتاب و مهم میهن ما، بیش از پیش بر ضرورت چنین اتحاد و سازماندهی مشترکی تأکید دارند. آینده، بی شک به خلق و نیروهای مردمی تعلق دارد، ولی با گام های برنامه ریزی شده و مشخص، و در پی گام های پیشین به سوی این آینده باید شتافت.

سال ۲۰۰۳ آماده انجام عملیات مستقل باشد، را اعلام کرد. این خبر پس از جلسه وزرای دفاع کشورهای عضو «اتحادیه اروپا» در بروکسل اعلام شد. تشکیل ارتش «واکنش سریع» در شکل جدید آن، پس از اعلام انحلال اتحاد نظامی «اتحادیه غرب اروپا» که تصمیم به آن دو هفته پیش در مارس، فرانسه، اتخاذ شد، صورت می گیرد. قرار است که مسئولیت های نظامی «اتحادیه غرب اروپا» مستقیماً به ارتش «اتحادیه اروپا» محول گردد.

«کلاوس بوهرل»، مسئول اجلاس «مارسی» در سخنرانی خود ضمن اشاره به خصوصی سازی وسیع در صنایع اسلحه سازی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و تغییراتی که این شرکت ها خواستار آن شده بودند و تلاش آلمان برای ایجاد ارتش واحد اتحادیه اروپا، گفت که چنین تحولی برای اتحادیه اروپا ضروری بود.

«خاویر سولانا»، دبیر کل سابق ناتو، که نقش وزیر دفاع «اتحادیه اروپا» را ایفا می کند، در همین مورد گفت که اجلاس «مارسی» نقطه عطفی برای گسترش امنیت در اروپا بود و این ارتش برای برخورد با بحران هایی نظیر آنچه که در حال حاضر در مناطق مختلف آفریقا توسعه یافته، بکار گرفته خواهد شد. وی در ادامه گفت که جلسه آتی وزرای دفاع در بروکسل با هدف بررسی افزایش قدرت نظامی اتحادیه اروپا تشکیل خواهد شد.

در حال حاضر اتحادیه اروپا، بنا به تصمیم سال گذشته سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در هلستینگی، در تدارک آماده سازی ارتش «واکنش سریع» در اروپا است. «ژاک دلور» رئیس سابق کمیسیون اروپا گفت که تشکیل ارتش «واکنش سریع» اروپا قدم بزرگی برای ارتش اروپا است تا بتواند علیه «جنگ های» محلی در قرن بیست و یکم وارد عمل شود.

کارگزاران اتحادیه اروپا قصد دارند تا با کلماتی فریبنده، تشکیل ارتش واکنش سریع را به عنوان عملی در راه برقراری «صلح» و «خدمات» انسان دوستانه قلمداد کنند. اما واقعیت این است که تشکیل این ارتش از سویی تحمیل قدرت سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا هم به کشورهای عضو اتحادیه و هم به کشورهای خارج از اتحادیه و کشورهای آفریقایی و عربی است و از سویی دیگر آمادگی برای سرکوب جنبش ها و مبارزات محلی و منطقه ای از طریق مداخله مستقیم نظامی است.

علت واقعی تشکیل چنین ارتشی نه آمال خیر خواهانه، بلکه دست یابی به قدرت بیشتر برای چپاول و غارت است. علت را در تمایل به رقابت با نقش برتر ایالات متحده در ناتو و به تبع آن زیر سوال بردن نقش محوری امپریالیسم آمریکا در باز تقسیم بازارها و منابع اولیه جهان باید جست. این حقیقتی است که بر رغم اینکه کشورهای تشکیل دهنده «اتحادیه نظامی غرب اروپا»، بلژیک، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، لوگزامبورگ، هلند، پرتغال، اسپانیا و انگلستان، عضو سازمان نظامی «ناتو» بودند، اما این ارتش ایالات متحده بود که همیشه نقش عمده و اصلی را در مسایل نظامی بازی می کرد و حضور مستقیم داشت و لذا سهم عمده از «غنایم» جنگی را طلب می کرد. تشکیل ارتش «واکنش سریع» اروپا، از سویی نیروی نظامی آماده ای است که همیشه نزدیک به صحنه تحولات عمده مورد نظر اروپا حاضر است و می تواند سریعتر وارد عمل شود. از سویی دیگر این ارتش توان فعالیت مستقل را خواهد داشت و بدون نیاز به ارتش ایالات متحده می تواند راسا در درگیری های منطقه ای و محلی حضور یابد و به عملیات مستقل دست بزند. وجود چنین نیروی نظامی از ضرورت حضور نیروهای نظامی آمریکا می کاهد و در عمل منجر به حذف نقش نیروهای آمریکایی می شود. این بطور بالقوه به مفهوم وجود نیروهای نظامی خواهد بود که می تواند حتی در برابر نیروی نظامی ایالات متحده قرار گیرد، نیروی «مستقلی» که در راه تأمین منافع خود می تواند برای سرکوب جنبش های محلی و منطقه ای، بویژه در آفریقا و کشورهای عربی وارد عمل شود.

البته هستند منتقدانی که بر این باورند که مشکلات عمده بی در مقابل پروژه ایجاد ارتش واحد اروپا قرار دارد. از جمله این مشکلات متکی بودن فزاینده صنایع نظامی اروپا به منافع مالی تکنولوژی پیشرفته قدرت ارتش آمریکایی و همچنین اقدامات و نتایج عکس العمل روسیه در مقابل تأسیس چنین ارتشی است.

از سویی دیگر این که ایجاد ارتش اروپایی به تشدید رقابت های بین امپریالیستی خواهد انجامید از هم اکنون نگرانی هایی را در بین برخی سیاستمداران برجسته اروپایی - آمریکایی دامن زده است. مارگریت تاچر، جان میجر، نخست وزیران سابق انگلستان، مدعی هستند که ایجاد نیروی جدید به قیمت رابطه

تقلیل می یابد. حتی در کشور های صنعتی نیز تصفیه آب عمومیت ندارد. اثرات این مشکلات بطور جدی مناطقی را که فقیر نشین اند مورد تهدید قرار می دهد و بالاترین آمار مرگ و میر و بیماری های سخت در این مناطق مشاهده می شود.

باراک و انتخابات جدید در اسرائیل

هفته گذشته، دولت خودگردان فلسطین، پیشنهاد باراک برای توافق جدید بر سر اختلافات بین فلسطین و اسرائیل را رد کرد، و خواستار قراردادی دائمی و تامین حقوق قانونی مردم فلسطین شد. باراک با طرح این پیشنهاد موافقت کرده است که ۱۰ درصد دیگر از اراضی اشغالی را به فلسطین واگذار کند و گفت که به این ترتیب دیگر نیاز نخواهد بود تا فلسطینی ها از «مرکز کنترل» متعددی عبور کنند. باراک با طرح این مسئله، روی خود را به سوی آن دسته از اسرائیلی هایی کرده است که خواهان قرارداد صلح با فلسطین و پایان بخشیدن به خصومت های بین دو ملت هستند. او می خواهد از این طریق آراء آنها را برای انتخاب شدن مجدد، بدست آورد.

این طرح بیان کننده آن است که دولت فلسطینی پیشنهاد شده از طرف باراک در عمل نخواهد توانست به صورت دولتی همگون عمل کند. این دولت مناطقی را در اختیار خواهد گرفت که قطعاتی از زمین هایی خواهد بود که همه جای آن مملو از قرارگاه های اسرائیل و نیروهای نظامی آن است. نکته مهم دیگر مذاکرات و بواقع بحث کلیدی آن، مسئله اورشلیم است و اینکه کسانی که طی ۲۵ سال گذشته بر اثر حملات اسرائیل از اورشلیم رانده شده اند، باید حق بازگشت به این شهر و اسکان در آن را داشته باشند. طبق قوانین جاری اسرائیل، هر یهودی که در هر نقطه از جهان بدینا بیاید، حق بیشتری از فلسطینی های رانده شده برای اسکان در این شهر دارد.

فلسطین در حال حاضر ۴۰ درصد از کرانه غربی و بخشی از نوار غزه را در اختیار دارد و افزایش ۱۰ درصد دیگر، در مجموع خود، اختیار نیمی از کرانه غربی را به فلسطینی ها می دهد، در حالی که مانند گذشته قوانین اسرائیل در این مناطق اعتبار خواهد داشت و نیروهای اسرائیلی حضور دائم خواهند داشت. این طرح هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد و آن را تنها می توان فریب مردم ارزیابی کرد، فریب آنهايي که خواهان صلح اند. باراک با این طرح بر این باور است که برای موفقیت در انتخابات، برگ برنده ای را ور کرده است، اما با اینحال در این فکر نیز هست تا در صورت لزوم برای اتحادی با «قصاب بیروت»، یعنی «شارون» یا نخست وزیر سابق از حزب لیکود «تانیاهو» به مذاکره بپردازد. اما او بیشتر مایل است تا این اتحاد با «شارون» صورت گیرد. او چندین ماه است که تلاش می کند تا «شارون» را به داخل دولت بکشاند و «اتحادی ملی» را علیه یاسر عرفات و جبهه متحد فلسطین بوجود آورد.

□ نگاهی به رویدادهای جهان

□ در هفته ای که گذشت □

سوسیالیست یوگسلاوی مدافع منافع اصلی کشور است و به همین دلیل نیز مورد تهاجم غرب قرار گرفت. پس از سرنگونی دولت «میلوسویچ»، دولت جدید با دادن اطمینان ها و امتیازات فراوان به غرب، در تلاش است تا با گرفتن وام به «ساختمان» یوگسلاوی بپردازد، و در این راه تدارک خصوصی سازی های وسیعی را دیده است. همچنین دولت «موتنه نگرو» بارها اعلام کرده است که خواهان تشکیل دولتی مستقل است. پس از ورود نیروهای نظامی ناتو به کوسوو، به تعداد جرایم و جنایات افزوده شده است. نیروهای دولتی برای مقابله با مجرمان، بویژه در مورد قاچاق، اختیارات لازم را ندارند و نیروهای ناتو نیز در پاسخ به درخواست مقابله با جرایم اظهار می کنند که این یک مسئله داخلی است و آنها نمی توانند در آن دخالت کنند.

برنامه جدید حزب کمونیست ژاپن

حزب کمونیست ژاپن در کنگره اخیر خود، با پذیرش برنامه جدید و تغییر در برخی از مفاد برنامه قبلی، قصد دارد تا با برنامه بی فعالتر در راه ایجاد دولتی ائتلافی بکوشد. اعضای رهبری حزب تصویب برنامه جدید را لحظه بی تاریخی برای گسترش فعالیت های حزب خواندند. بیش از یک هزار نفر شرکت کننده در کنگره، به اتفاق آرا، تجدید نظر در برنامه قبلی حزب را تایید کردند و برنامه حزب برای عضو گیری تا مرز ۵۰۰ هزار نفر تا سال ۲۰۰۵ را مورد پشتیبانی قرار دادند. این طرح خواهان ایجاد شرایطی است که بتواند «به یک دولت دموکراتیک ائتلافی در اوایل قرن بیست و یکم» ثبات بخشد. نکته دیگر در بحث های حزب، تغییر نظر در مورد نیروهای مسلح «دفاع از خود بود. حزب کمونیست ژاپن قانون موسوم به پاراگراف ۹ را، که حق ایجاد نیروهای نظامی دریایی، زمینی و هوایی را از ژاپن سلب می کند را، غیر قانونی خواند. اما در عین حال معتقد است که نیروی «دفاع از خود می باید خود را منحل کند و تنها در شرایطی خاص و برای خدمت در فجایع طبیعی به کار گرفته شود.» حزب کمونیست ژاپن با ارایه این برنامه، خواستار اتحادی از نیروهای دموکراتیک برای تغییر دولت فعلی ژاپن است.

اعلام خطر سازمان ملل در مورد بهداشت

سازمان ملل هفته گذشته اعلام کرد که بیش از نیمی از مردم جهان از بهداشت لازم برای زیستی سالم محرومند و خطر بیماری های گوناگون به علت کمبود بهداشت، جان میلیون ها انسان را تهدید می کند. این خطر از سوی ۵۰۰ متخصص شرکت کننده در امور بهداشت عمومی، آب و امور بهداشتی اعلام شد، که در برزیل گرد هم آمده بودند تا بتوانند راه حل هایی را برای پایان دادن به بحران آب و امور بهداشتی بیابند. در این گزارش اعلام شد که بیش از ۲/۴ میلیارد نفر در جهان از بهداشت لازم برخوردار نیستند. بیش از ۱/۸ میلیارد نفر از دسترسی به آب سالم محروم هستند و سالیانه به علت عدم وجود آب سالم بیش از ۴ میلیارد نفر دچار اسهال میشوند.

چنین شرایطی باعث می شود تا ۲/۲ میلیون نفر جان خود را از دست بدهند که اکثر آن ها را کودکان تشکیل می دهند. با ایجاد امکان برای دسترسی به آب سالم و بهداشت مناسب، می توان تعداد افراد مبتلا به اسهال را بین یک چهارم تا یک سوم تقلیل داد. در کشورهای روبه رشد تصفیه آب های مصرف شده در محدوده بسیار کوچکی صورت می گیرد. در آسیا تصفیه آب های مصرف شده حدود ۳۵ درصد است، در حالی که این رقم در کشورهای آمریکای لاتین تا ۱۴ درصد کاهش می یابد. در کشورهای آفریقایی این مقدار به چند درصد ناچیز

رشد نژاد پرستی در اروپا

بخش بررسی نژاد پرستی، در اتحادیه اروپا، که بر اساس اطلاعات جمع آوری شده، تعداد جرایم نژادپرستی و حمله به اتباع خارجی را ثبت کرده است، در گزارش سالیانه خود، که در وین منتشر شد، اعلام کرد که، این جرایم به طور وسیعی در حال افزایش است و جرایم ثبت شده بمانند کوه یخی است که تنها بخش کوچکی از آن قابل رویت است و وسعت و بزرگی آن در زیر آب پنهان است.

افزایش خشونت ها و تبعیض ها بر ضد خارجی ها در شرایطی صورت می گیرد که کشورهای غرب اروپا نیاز به مهاجر بیشتر را اعلام کرده اند. رئیس بخش مربوط به بررسی نژادپرستی در اتحادیه اروپا، در کنفرانس خبری که در بروکسل تشکیل شد، گفت که نژاد پرستی در اروپا هر چه بیشتر به چشم می خورد. وی اضافه کرد که ما می دانیم که اروپا نیاز به مهاجرین بیشتری دارد. برخی گزارش ها نشان می دهد که ما طی ۵۰ سال آینده به ۵۰ تا ۷۰ میلیون نفر مهاجر نیاز خواهیم داشت تا بتوانیم کمبود نیروی کار و تخصص های لازم را جبران کنیم. او در ادامه گفت که، تعداد افرادی که مورد تهاجم و خشونت های نژادپرستانه قرار گرفته اند بسیار بیشتر از آن چیزی است که در گزارش آمده است. بسیاری از این افراد، از ترس خشونت های بیشتر و یا ترس از اخراج از کشوری که در آن زندگی می کنند، از شکایت کردن اجتناب می ورزند.

این گزارش، آمار مشخصی از کشورها، بطور جداگانه، ارایه نکرده است، اما متذکر می شود که اشکال گوناگون خشونت - از خشونت های خیابانی گرفته تا محدودیت های اجتماعی - به طور وسیعی، از سوی پلیس، کارمندان دولتی و دیگر سازمان ها بر ضد خارجی ها اعمال می شود. این گزارش همچنین به افزایش وسیع استفاده از اینترنت، توسط گروه های نژاد پرست و نشو نازی اشاره می کند و متذکر می شود که، اینترنت جایی است که آنها تبلیغات خود را به طور وسیع به سراسر جهان می فرستند. وزیر کشور آلمان درباره افزایش جرایم بر ضد خارجی ها، گفت که، جرایم مربوط به گروه های راست افراطی و نشو نازی علیه خارجی ها، تنها در ۹ ماهه اول امسال بیش از ده هزار مورد بود. بررغم افزایش حرکت های نژاد پرستانه و ضد خارجی، هیچ عمل جدی بی در مقابله با آن صورت نمی گیرد.

در بسیاری از این کشورها، مسئولین دولتی از سازمان دهندگان این گروه ها هستند و شرکت فعال در سازمان دهی این حرکت ها دارند.

انتخاب مجدد «میلوسویچ»

«اسلوبودان میلوسویچ» رئیس جمهوری سابق یوگسلاوی، در جریان کنگره حزب سوسیالیست، مجدداً به عنوان دبیر اول این حزب انتخاب شد. وی در سخنرانی که در کنگره کرد، وقایعی را که سبب شورش در کشور شد و او را از قدرت برکنار کرد محکوم کرد و گفت که، او توسط خائنین از قدرت برکنار شده است. او همچنین ضمن محکوم کردن رسانه های گروهی، گفت که آنها خود را به غرب فروخته اند و دادگاه جنایات جنگی سازمان ملل را «گشتابوی جدید» خواند. وی گفت، در حال حاضر بول های فراوان و امتیازات قابل توجهی به کسانی داده می شود که بر ضد منافع کشور کار می کنند. آنها را مسبب از دست دادن استقلال کشور خواند و گفت آنها در تلاشند تا موتنه نگرو، کوسوو و جودینا را جدا کنند. آنها به تحقیر و انهدام مردم صربستان می پردازند و قهرمانان ملی را به گشتابو جدید تسلیم می کنند. او اضافه کرد که، حزب

سرمایه داری و «احترام» به آراء مردم

نمونه روسی:

نشریه «مسکو تایمز» که به زبان انگلیسی در روسیه منتشر می شود اخیراً افشاء کرد که، در انتخابات ریاست جمهوری روسیه، که در فروردین ماه گذشته برگزار گردید، برنده واقعی گنادی زیوگائف بوده است، و ولادیمیر پوتین فقط با تقلب وسیع در شمارش آراء توانسته است بر او پیشی بگیرد. نتیجه اعلام شده انتخابات، که در جریان آن پوتین از حمایت تمامی محافل طرفدار سرمایه داری روسیه برخوردار شد، زیوگائف را با اختلاف ۲/۲ میلیون رای در دور اول بازنده اعلام کرد. بر اساس فاکت های مشخص گزارش شده در «مسکو تایمز»، در داغستان، یکی از ۸۹ مناطق و جمهوری های تشکیل دهنده روسیه، در مقایسه آراء اعلام شده و آراء به صندوق ریخته شده، حداقل ۵۵۱/۰۰۰ رای تقلبی اضافی به نفع پوتین ثبت شده است. این تعداد رای بالغ بر یک چهارم میزان تفاوت آراء میان زیوگائف و پوتین است.

به گفته «مسکو تایمز» در مناطق دیگر نیز شیوه مشابهی برای تغییر نتیجه واقعی آراء صورت گرفته است. در بسیاری از این مناطق بین نتیجه اعلام شده از سوی مسئولان محلی صندوق های رای و مقامات سطح بالاتر کمیسیون های نظارت بر انتخابات اختلافات فاحشی وجود دارد. مقاله «مسکو تایمز» با اشاره به کشف آراء نیمه سوخته که به نفع زیوگائف به صندوق ریخته شده بود در بیرون یکی از مراکز انتخابات، از شیوه های رسوای بکار برده شده توسط طرفداران پوتین برای عوض کردن نتیجه انتخابات حکایت دارد.

بسیاری از رای دهندگان از فشار آشکار و پرداخت پول برای «متقاعد» کردن آنان به حمایت از پوتین گزارش داده اند. در جمهوری تاتارستان، مسئول مرکز مطبوعاتی انتخابات از یک سیستم علنی که در آن در بیرون از مراکز رای گیری برگه های رای علامت زده شده به نام پوتین به مردم داده می شده و از آنها خواسته می شده است که پس از انداختن آن به صندوق، رای نانوشته خود را در بیرون به تقلب کنندگان بدهند، تا پس از علامت زدن آن به نام پوتین آن را در اختیار رای دهندگان بعدی قرار دهند. مسکو تایمز همچنین گزارش می دهد که، در فاصله انتخابات دوما، در دی ماه، و انتخابات ریاست جمهوری در فروردین ماه، بطور غیر مترقبه ای به تعداد صاحبان رای در روسیه، ۱/۳ میلیون نفر اضافه شد. اکنون مشخص شده است که آدرس محل زندگی اکثر این «رای دهندگان» جدید ساختگی و غیر واقعی و مثلاً «طبقه بیست و یکم ساختمانی بیست طبقه» بوده است. این رای دهندگان اکثراً در مناطقی که تقلبات بسیار وسیع در آن صورت گرفت، ثبت شده بودند. در بخشی دیگر، گزارش گران مسکو تایمز فاش می کنند که، ۵۰۰ هزار تن از ساکنان چچن، که به دلیل جنگ داخلی در این منطقه از خانه های خود رانده شده بودند و به همین دلیل در انتخابات پارلمانی در دی ماه شرکت نکرده بودند در انتخابات ریاست جمهوری «شرکت کرده» و رای اکثریت آنها به طور باور نکردنی به نفع پوتین ثبت شده بود.

سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) که از طریق ۴۰۰ نماینده رسمی خود بر روند انتخابات نظارت داشت، در گزارش اولیه خود ضمن تایید موارد متعدد نقض مقررات انتخابات، اظهار داشته بود که این تخلفات «به نظر نمی رسد که اثری بر نتیجه انتخابات داشته باشد». زیوگائف در شکایت رسمی خود به کمیسیون نظارت بر انتخابات، متذکر شده بود که، او را از ۷ میلیون آراءش محروم کرده اند. سازمان امنیت و همکاری اروپا بعدها «در گزارش نهایی» خود، که هنگامی چاپ و منتشر شد که آب ها از آسیاب افتاده بود، فاش کرد: «موارد تقلب جدی بوده است.»

ادامه در صفحه ۵

زحمتکشان، ارتش «اتحادیه اروپا» و رقابت های امپریالیستی!

نتایج اجلاس دول عضو اتحادیه اروپا، که در ماه اخیر در شهر «نیس» فرانسه برگزار می شود، با توجه به دستور کار آن و ابعاد تصمیماتی که قرار است در آن گرفته شود، به لحاظ تأثیری که بر اوضاع سیاسی جهان خواهد داشت، برای مبارزان صلح و سوسیالیسم اهمیت ویژه بی خواهد داشت.

در این کنفرانس، که تحت ریاست دوره ای فرانسه انجام خواهد شد، قرار است در مورد مسایل مهمی از جمله، گسترش اعضای اتحادیه اروپا، تعداد اعضای کمیسیون اروپا که نقشی همانند دولت اروپا را ایفا خواهد کرد، الغاء حق وتو کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مورد تصمیماتی که مغایر با منافع و سیاستهای آنها است، شکل نهایی و ساختاری ارتش اروپایی و نیز برخی تصمیمات در جهت اتخاذ پولی یکسانی برای اتحادیه اروپا تصمیم گیری می شود. رؤس عمده دستور کار اجلاس «نیس» یک سال قبل در هلستینکی مورد موافقت قرار گرفته بود، و در طول یک سال اخیر، سعی دولت های عمده عضو اتحادیه اروپا آلمان، فرانسه و انگلیس در سمت ایجاد شرایطی برای تصویب طرحهایی بوده که سرمایه داری اروپا برای بیش از یک دهه در مورد آن تدارک دیده و برنامه ریزی کرده است. این طرحها در جهت انسجام بخشیدن به اتحادیه اروپا به مثابه یک قدرت امپریالیستی دارای ساختار تصمیم گیری مشخص، ارتش واحد و ارز واحد که امکان رقابت با محورهای دیگر امپریالیستی جهان نظیر آمریکای شمالی و ژاپن را دارا باشد.

امپریالیسم اروپایی!

یکی از مسایل مهمی که قرار است درباره آن در اجلاس «نیس» تصمیم گیری شود، گسترش اتحادیه اروپا است. انگلستان در صدر لیست کشورهای قرار دارد که خواستار تصویب سریعتر عضویت گروه ۷ کشور بلغارستان- لتونی-لیتوانی، مالت، رومانی، اسلواکی و ترکیه در اتحادیه اروپا می باشد. این گروه علاوه بر کشورهای جمهوری چک، استونی، مجارستان، لهستان، و اسلوانی می باشند که قرار عضویت آنها در اجلاس هلستینکی تصویب شد. افزایش تعداد اعضای اتحادیه اروپا از ۱۵ عضو فعلی به ۲۸ در آینده متضمن اثرات عمده ای بر شیوه های اداره اروپا خواهد بود. از جمله تغییرات عمده در نحوه تصمیم گیری های اتحادیه اروپا فشار برای لغو حق وتو کشورهای عضو خواهد بود. نتیجتاً حتی اگر یک نیروی ترقی خواه و واقعاً دموکراتیک در آینده در بخشی از اروپا به قدرت برسد، عملاً قادر به تصمیم گیری مستقل و در جهت منافع ملی نخواهد بود. از نتایج این تغییر ایجاد یک واحد سیاسی عظیم، که تمامی اروپا را در بر خواهد داشت، خواهد بود که هر عضو آن ناگزیر فقط سهم کوچکی در نحوه تعیین سیاست ها خواهد داشت.

اکثر سیاستمداران اصلی اتحادیه اروپا خواستار ایجاد و توسعه یک دولت واحد اروپایی قدرتمند می باشند. هدف اصلی آنها فقط وحدت مالی و اتخاذ یک ارز واحد و مشترک نمی باشد بلکه ایجاد یک واحد سیاسی- اقتصادی قدرتمند می باشد که هم از نظر جمعیت و وسعت جغرافیایی و هم از نظر قدرت نظامی- اقتصادی قادر به رقابت با آمریکا باشد.

ارتش و انکس سریع اروپایی

طرح ایجاد ارتش اروپایی از عمده ترین مشخصه های توسعه محور امپریالیستی جدید در اروپا می باشد که در ۱۲ ماه گذشته کوشش های جدی در سمت تحقق آن صورت گرفته است. در حقیقت اتحادیه اروپا در اواسط آذرماه شروع رسمی تدارک ایجاد ارتش «واکنش سریع» ۱۲۰ هزار نفری در اروپا را که پیش بینی می شود، در

ادامه در صفحه ۶

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3- <http://www.tudehpartyiran.org>

NAMEH MARDOM-NO:598
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

12 December 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e. V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse

دلایلی خاص داشت. از جمله این موارد به گشودن یک پرونده قضایی در مورد او باید اشاره کرد که قرار است و یا قرار بود بعد از برکناری او به جریان افتد و سرنوشته همچون عبدالله نوری را برای او رقم بزنند. اخبار غیر رسمی حاکی از چانه زنی برای اجرا نشدن این محکمه قضایی بعد از برکناری او بود. در پی برکناری مهاجرانی، اصلاح طلبان حکومتی در موضع گیری های خود اعلام کردند که روندهای پیاده شده در وزارت ارشاد با رفتن شخص متوقف نمی شود و سیاست های فرهنگی دولت همانند گذشته ادامه پیدا خواهد کرد. باهتر در رد چنین ارزیابی و شاید خوشبختی بی از سوی اصلاح طلبان حکومتی، و در حالی که هنوز مرکب «استغفار» مهاجرانی خشک نشده بود، اعلام کرد که دغدغه ها (و از جمله دغدغه شخص ولی ققیه) سیاست های اجرا شده وزارت ارشاد بوده است و نه شخص مهاجرانی. بی شک عقب نشینی های دولت و نیروهای اصلاح طلب تهاجمی جدید را به دنبال خواهد داشت. این همان سیاست آگاهانه ای است که با ظرافت خاص تمامی دستاوردهای جنبش مردمی را مورد تعرض قرار داده است و به واسطه مناسبات طلبی های اصلاح طلبان حکومتی این سیاست مرحله به مرحله با موفقیت انجام گرفته است. اکنون که تمامی نگاه ها متوجه انتخابات ریاست جمهوری گردیده است این سؤال مطرح است که با توجه به تمامی این عقب نشینی ها چه تضمینی وجود دارد که خود خاتمی به عنوان آخرین خاکریز مورد هدف قرار نگیرد. این نکته از آن رو قابل تعمق است که بر اساس شایعات موجود تاخیر در برکناری مهاجرانی نه دفاع از سیاست های فرهنگی وزارت خانه تحت مسئولیت او بلکه مطمئن شدن از عدم تعقیب قضایی او بوده است. آنچه مسلم است این است که ارتجاع حلقه محاصره بدور روند اصلاحات را هر روز تنگ تر می کند و معلوم نیست در چارچوب های تنگ کنونی پیشرفت روند اصلاحات چگونه می تواند انجام بگیرد؟ تجربه عملی توده ها و جنبش مردمی مدافع اصلاحات هر روز بیش از پیش به این حقیقت نزدیک می شود که بخش مهمی از رهبری جبهه دوم خرداد از توان و اراده کافی برای سازمان دهی توده ها به منظور مقابله با تهاجمات ارتجاع برخوردار نیست. بر این اساس روشن می شود که معضل اصلی جنبش عدم یک آلترناتیو انقلابی است که بتواند به سازمان دهی توده ای برای مقابله با اقدامات ارتجاعی برخیزد. ایجاد شرایطی هر چند کوچک برای تسریع این روند نیاز مبرم کنونی جنبش است.

ارتجاع و زنان

خزعلی، عضو شورای نگهبان، طی سخنانی با انتقاد از سیاست های فرهنگی موجود گفت: «در قم گفتند باید سنت شکنی کرد ولی جلویان را گرفتند، مدارس موسیقی برپا کردند، دختر جوانی را دیدم ویولن به دست در کنار خیابان حرکت می کرد، ... فتاوی فقها کجا رفت» (ایسنا چهارشنبه ۲۳ آذر ماه).

ادامه در صفحه بعد

نگاهی به رویدادهای ایران

در هفته ای که گذشت

روزنامه رسالت، مهاجرانی و وزارت ارشاد

روزنامه «رسالت» روز شنبه ۲۶ آذر از قول باهتر، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسين در باره کنار گذاشتن مهاجرانی از پست وزارت ارشادگفت: «تا زمانی که سیاست های فرهنگی دین مدارانه بر وزارت ارشاد حاکم نشود، این پذیرش دیر هنگام استعفاء از ارزش عملی برخوردار نخواهد بود.»

اینکه کنار گذاشتن مهاجرانی تحت چه شرایطی انجام گرفت می تواند باز گو کننده مشکلات امروز جنبش باشد. برکناری مهاجرانی از مدت ها قبل مورد بحث محافل سیاسی قرار داشت و این تاخیر بنا به گفته هایی

ضمیمه

نامه مردم

از کان مرکزی غرب توده ایران

ضمیمه ۵۹۸، دوره هشتم

سال هفدهم، ۲۹ آذر ۱۳۷۹

ادامه تهاجم قوه قضائیه و برکناری

مهاجرانی، دو ضربه مهم

به جبهه دوم خرداد

مجوز نشره را، که شامل بسیاری از مسئولان روزنامه ها و چندین نماینده اصلاح طلب مجلس بود، یکباره رد کند و آنان را فاقد صلاحیت اعلام کند. جالب اینجاست که لیست رد شده آنچنان مغرضانه تنظیم شده بود که آقای مرزوعی، نماینده مجلس، و رئیس انجمن صنفی مطبوعات، که نام او نیز در این لیست سیاه آمده است، بدرستی اشاره کرد که: «لیست دادگستری نشان می دهد ما در واقع اپوزیسیون هستیم چون اینها ما را برای یک روزنامه هم محرم نمی دانند» (آفتاب یزد، ۱۶ آذر ۱۳۷۹). در ادامه همین تهاجم همه جانبه، «قاضی» مرتضوی، از منفور ترین چهره های ارتجاع که تخصصش به زنجیر کشیدن روزنامه نگاران دگراندیش و آزار و شکنجه آنان است، با صدور حکمی محدودیت جغرافیایی پخش روزنامه همشهری را در تهران اعلام کرد.

روشن است که برخلاف برخی خوش بینی ها درباره «فراجناحی عمل کردن» قوه قضائیه و خصوصاً شخص شاهرودی، رئیس قوه قضائیه، امروز ماهیت عمیقاً ارتجاعی و ضد مردمی دستگاه قضا و قضاوت رژیم «ولایت فقیه» بیش از پیش برای مردم ما روشن شده است. سؤال

ادامه در صفحه بعد

با برکناری مهاجرانی، وزیر ارشاد دولت خاتمی، پس از هفته ها شایعه درباره استغفار او و روشن شدن این مسأله که برکناری او زیر فشار شدید سید علی خامنه ای، «ولی ققیه» رژیم بوده است، دولت سید محمد خاتمی بیش از پیش در بحران سیاسی فرو رفت.

خبر برکناری مهاجرانی در کنار ادامه تهاجم گسترده قوه قضائیه رژیم بر ضد دگراندیشان در مجموع فضای نومیدی و نگرانی را بر جبهه دوم خرداد و نیروهای شرکت کننده در آن حاکم کرده است.

تقش قوه قضائیه در ایجاد این فضا آنچنان است که در هفته های اخیر یک اظهار نظر شخصی مختصر، از سوی محمد سلامتی (دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) درباره برخورد نیروهای ارتجاعی با مسأله عدم کفایت رئیس جمهوری (در جلسه مناظره با باهتر، ۲۱ آذر ۷۹)، با سرعت به دستاویزی تبدیل شد که علیزاده، رئیس دادگستری تهران، با استفاده از آن چندین بار در صدا و سیما ارتجاعی رژیم ظاهر شود و دستور پیگرد محمد سلامتی را اعلام کند. در راستای اعمال چنین سیاست هایی است که با پیروی از نظریات و دستور «رهبر»، قوه قضائیه لازم دید تقاضای ۱۳۲ متقاضی اخذ

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه رویدادهای ایران

مرتبجان حاکم در هر عرصه‌یی که نشان از تلاش زنان برای پیشرفت وجود داشته باشد یا توسل به قوانین و احکام ارتجاعی در صدد برمی آید سدی در مقابل آن ایجاد کنند اما در عرصه‌هایی که حتی با معیارهای خود حکومتیان در تناقض است، هیچ‌گونه عکس‌العملی مشاهده نمی‌شود. مسلماً خزعلی از آماری که از دختران فراری در رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی منتشر می‌شود و یا آمار مربوط به زنان گرفتار اعتیاد و زنانی که از بامداد تا شامگاه برای ارتزاق خود و خانواده مجبور به کارهای سخت و طاقت فرسا هستند، بی‌اطلاع نیست، منتها اینها مواردی نیست که به حکومت فقهای آنها خدشه‌ای وارد سازد و بنابراین در این زمینه‌ها فتاوی فقها لازم نیست، اما تلاش برای یک زندگی سازنده توأم با آگاهی که پایه‌های قدرت آنها را لرزان می‌سازد نیازمند فتاوی سرکوب‌گرانه و ارتجاعی است. ذوب شدگان در ولایت اگر توانستند در نزدیک به ۲۲ سال حکومتشان به این مهم دسترسی پیدا کنند، مطمئناً در آینده هم خواهند توانست. جمعیت میلیونی زنان میهنمان با اقتدار و در شرایط سخت مبارزه تمامی نقشه‌های آنها را خنثی کرده‌اند.

مردم سالاری و «اسلام»

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران گفت: «از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه در سال‌های اخیر شدیدترین حملات مخالفان نظام، متوجه اصل مترقی ولایت فقیه است.» وی اظهار داشت: «مخالفان، ولایت را سدی در مقابل ارتباط ایران و آمریکا می‌دانند و به همین دلیل لبه‌تیغ حملات خود را معطوف این پایگاه عظیم کرده‌اند.» وی ادامه داد که در حال حاضر مخالفت با ولایت فقیه از بین نرفته، بلکه شیوه آن تغییر یافته و شدیدتر هم شده است. (جمهوری اسلامی، شبیه ۲۶ آذر)

این اعترافات در حالی بیان می‌شود که ذوب شدگان با استفاده از تریبون‌های مختلف علناً با تحقیر مردم نقش آنها را در اداره امور جامعه هیچ می‌دانند و به همین دلیل متوجه هستند مردم از آنها حمایت هم نکنند. خزعلی در سخنان هفته گذشته خود در ارتباط با مردم سالاری و نقش مردم گفت: «ما نظر مراجع را باید بینیم و این که چه موجهی در جامعه است و مردم چه می‌گویند و غیره را باید کنار بگذاریم و فقط گفتار فقیه مرجع را در نظر بگیریم و فقط تابع او باشیم.» وی در توضیح مردم سالاری تصریح کرد: «مردم سالاری یعنی مردم بالای سر ما و هر چه توانستند باید عمل کنند. خیر این طور نیست، مردم خوبند ولی برای اجرای احکام الهی در عهد نامه مالک اشتر، مولا می‌فرماید، ملیت به طرف مردم باشد و مردم عمود خیمه دین هستند. در اجرای اسلام آنچه که مردم بخواهند خیر، آنچه اسلام بخواهد بلی، امروز مردم قصاص را نمی‌پسندند پس قصاص باید برداشته شود؟ خیر مردم برای دینشان، اسلامشان قیام کردند، شهید شدند.» (ایسنا، ۲۳ آذر ماه)

زمانی بود که استفاده از لفظ مردم و مردمی وسیله‌یی بود برای کسب مشروعیت، اما با بالاگرفتن مخالفت‌های هرچه آشکارتر مردمی یا چنین شیوه‌یی از حکومت خزعلی و امثال او بدون پرده پوشی اعلام می‌کنند که حکومت اسلامی یعنی حکومت فقها و مردم باید نقش گوش به فرمان را در آن داشته باشد. سخنان دو مقام مسئول رژیم ولایت فقیه حاکی از وجود دو واقعیت در جامعه ما است. رشد گرایشاتی که در آن تیغ تیز حمله را متوجه ولایت فقیه ساخته و دوم ادامه سیاست سرکوب برای مقابله با این خطر.

ادامه تهاجم قوه قضائیه...

اساسی این است که با وجود انزجار عمیق مردم از اقدامات ضد اصلاحات قوه قضائیه رژیم، و مخصوصاً ضربات حساب شده و بسیار جدی آن، در ماه‌های اخیر به جنبش اصلاح طلبی، چرا بختی از اصلاح طلبان درون حکومتی همچنان با برخورد منفعلانه با قوه قضائیه همچنان بر طبل «اصلاح‌پذیری» قوه قضائیه می‌کوبند و ضمن سازماندهی رایزنی‌های بی‌سرانجام و ناموفق با رئیس قوه قضائیه همچنان به قول‌های عوام‌فریبانه رئیس قوه قضائیه درباره اصلاح این قوه چشم امید دوخته‌اند. بی‌شک این اشتباه اساسی در ارزیابی نقش و جایگاه قوه قضائیه، به عنوان یکی از اساسی‌ترین اهرم‌های تهاجم ارتجاع بر ضد جنبش مردمی، نمی‌تواند نقش مخربی در سازماندهی مقاومت نیروهای معتقد به اصلاحات در برابر تهاجمات ارتجاع نداشته باشد.

حزب توده ایران، در سه سال گذشته، چه در دوران ریاست محمد یزدی، و چه در دوران شاهرودی، همواره به نقش مخرب و ضد مردمی قوه قضائیه رژیم «ولایت فقیه» تأکید کرده است و معتقد است که به دلیل نوع رابطه قوه قضائیه با نهاد «ولایت» و شخص «ولی فقیه»، نمی‌توان به اصلاح‌پذیری این قوه هیچ‌گونه خوش بینی داشت. بر خلاف ادعاهای عزیززاده، رئیس دادگستری تهران، که قوه قضائیه و امدار هیچ نیروی سیاسی نیست، از آنجائیکه رئیس قوه قضائیه و دست‌اندرکاران آن مستقیماً یا از سوی «ولی فقیه» تعیین می‌شوند و یا با موافقت او به این پست‌ها می‌رسند، این نهاد در درجه اول و امدار «ولی فقیه» و نیروهای ارتجاعی گردآمده بدور «ولی فقیه» است که هدفشان سرکوب روند اصلاحات در میهن ماست. قوه قضائیه امروز بازوی اجرایی اختیارات نامحدود، عمیقاً ارتجاعی و ضد مردمی «ولی فقیه» است، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده، و به شکلی موثر برای حفظ ساختار استبدادی کنونی و سرکوب روند اصلاحات به کار گرفته می‌شود.

حوادث ماه‌های اخیر، از جمله وتوی طرح اصلاح قانون مطبوعات، توسط «ولی فقیه»، بی‌حقوق دانستن نمایندگان مجلس، و در روزهای اخیر تهدید نمایندگان مجلس، از سوی شورای نگهبان به حواله کردن آنها به زندان و دادگاه، در کنار پرونده سازی برای اعلام عدم کفایت خاتمی، رئیس جمهوری، توسط هیئت مؤتلفه، عملکرد سرکوبگرانه قوه قضائیه و بالاخره برکناری مهاجرانی از وزارت ارشاد ضربات جدی است که جبهه دوم خرداد در برابر تهاجم ارتجاع متحمل شده و می‌شود و در صورت عدم سازمان‌دهی یک مقاومت گسترده در برابر این تهاجمات با اتکال به نیروی مردمی می‌باید منتظر تهاجمات خطرناک بعدی نیز بود. ساختار قدرت سیاسی در میهن ما، که بر مبنای اصل ولایت فقیه به عنوان نهاد اساسی تصمیم‌گیرنده در سیاست‌های کلان کشور، عمل می‌کند اجازه نمی‌دهد خارج از خواست این نهاد حرکت پایه‌یی و بنیادین به سمت اصلاحات و تحقق حکومت مردم سالاری صورت پذیرد.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1- Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 598
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

19th December 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک